



در عرس مجاز امام صادق علیه السلام

سیوطی

جلسه (۱۳۷) ۳۳

استاد: وافی یزدی

موضوع: باب نِعَمَ و بئس

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

نعم و بئس به ترتیب، برای مدح و ذم استفاده می‌شوند و فعل غیر متصرف هستند، برخلاف نظر کوفیون که قائل به اسم بودن آنهایند.

دلیل فعل بودن: زیرا تاء ساکنه و ضمیر رفع به آنها متصل می‌شود (طبق لغتی که کسانی آن را حکایت کرده).

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

عمل نعم و بئس:

این دو فعل، اسم بعد از خود را رفع می‌دهند، که این اسم باید یکی از شرایط زیر را داشته باشد:

- ۱- یا الف و لام داشته باشد: نعم المولی و نعم النصیر.
- ۲- یا مضاف به چیزی شود که الف و لام دارد: نعم عقبی الکرماء.
- ۳- یا ضمیر مستتری باشد که بوسیله نکره، تمیز داده شده: بئس للظالمین بدلاً.

نکته ۱: گاهی به نعم و بئس، «ما» متصل می‌شود که در نقش آن اختلاف نظر است:

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

نظر مصنف: «ما» تمیز است.

نظر سیبویه و ابن خروف: «ما» فاعل است.

منخصوص مدح یا ذم:



مدرس میرزا محمد باقر صادق علیه السلام

مخصوص مدح یا ذم، بعد از فاعل ذکر می شود و مرفوع است به دلیل مبتدا یا خبر بودن: نعم الرجل زید - بئس الرجل أبولهب.

نکته ۲: گاهی در صورت وجود قرینه، مخصوص می تواند حذف شود: العلم نعم المقتنی و المقتنی (اصلش: نعم المقتنی و المقتنی العلم)

نکته: تقدیم مخصوص، بر خود فعل مدح یا ذم جایز نیست، لذا در مثال «العلم نعم المقتنی و المقتنی»، «العلم» مخصوص نیست، بلکه مخصوص، «العلم» محذوف است که به قرینه «العلم» که در ابتدا آمده، حذف شده است.

نکته ۳: گاهی بجای استفاده از نعم و بئس، برای مدح و ذم، از وزن «فَعَلَ» برای این منظور استفاده می شود: عَلَّمَ الرجل زید - كَبَّرَتْ كلمة تخرج من أفواههم.

نکته: حَبَّذا مثل نعم برای مدح و لَاحِبَّذا مثل بئس برای ذم استفاده می شود که «ذا» فاعل آنها می باشد.